

تحلیل سیاسی هفته (۴۹)

سفر لاوروف به تهران؛ زمینه‌ها و دورنمای روابط ایران و روسیه

مقدمه

سفر سرگئی لاوروف وزیر امور خارجه روسیه به ایران در ابعاد دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی از اهمیت زیادی برخوردار است. روابط ایران و روسیه در دوره بعد از فروپاشی شوروی دگرگونی‌های بسیاری را به خود دیده است. با این حال در زمان حاضر و بعد از توافق هسته‌ای ایران و غرب روابط تهران و مسکو تحت تأثیر عوامل و متغیرهای جدید قابلیت تحول و بهبود بیشتری خواهد داشت.

روابط دوجانبه

در سطح دوجانبه روابط ایران و روسیه می‌تواند برای هر دو کشور مهم تلقی شود. در بیانیه وزارت خارجه روسیه که روز دوشنبه در پایگاه اینترنتی این وزارتخانه منتشر شد، با اشاره به سفر لاوروف به ایران، بر عزم روسیه برای توسعه روابط سودمند با ایران و گسترش همکاری‌ها برای تقویت ثبات منطقه‌ای و امنیت بین‌المللی تأکید و ابراز امیدواری شده است که این رویکرد برای گسترش همکاری‌های سودمند ادامه یابد.

روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دو کشور با توجه به زمینه‌های موجود تاریخی و فرهنگی دربردارنده منافع طرفین است. به‌ویژه از نظر اقتصادی زمینه‌های متعددی برای همکاری وجود دارد. اما مبادلات اقتصادی ایران و روسیه از حدود ۶۰۰ میلیون دلار در نیمه دهه ۱۹۹۰ میلادی به نزدیک ۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۴ رسید، ولی از آن زمان تاکنون تغییر محسوسی نداشته است (در سال ۲۰۱۲ این رقم نزدیک به ۲/۵ میلیارد دلار بود). این درحالی است که روابط تجاری ترکیه با روسیه که رقیب منطقه‌ای یکدیگر محسوب می‌شوند، ۳۵ میلیارد دلار است. از طرفی ایران هنوز جایگاه عمده‌ای در بازار روسیه ندارد و حجم صادرات آن ۲۰ برابر کمتر از حجم واردات از روسیه است. سرمایه‌گذاری روسیه در ساخت نیروگاه اتمی زهره و موارد مشابه از موارد حرارتی شهید منتظری و رامین، ساخت نیروگاه اتمی بوشهر، مشارکت در ساخت ماهواره ایرانی زهره و موارد مشابه از موارد همکاری اقتصادی و تکنولوژیکی دو کشور است. اما در همین مورد نیز از جانب برخی تحلیلگران روس این اشکال مطرح می‌شود که ایران فقط به دنبال تأمین اقلامی از روسیه است که کشورهای دیگر آنها را در اختیار او قرار نمی‌دهند و در صورت بهبود روابط ایران با آمریکا جایگاه روسیه و مبادلات با این کشور در سیاست خارجی ایران تقلیل خواهد یافت.

به‌نظر می‌رسد روسیه پس از روی کار آمدن دولت جدید در ایران خواهان برخی تغییر و تحولات در سیاست خارجی خود نسبت به ایران است تا در بهبود مناسبات با تهران از دیگر کشورها عقب نباشد. در عین حال نمی‌توان این نکته را نادیده گرفت که در فرآیند تحریم‌ها علیه ایران روسیه هم به‌دلیل قراردادهای منعقد شده با ایران و هم به دلیل افزایش قیمت نفت و افزایش صادرات نفت و گاز سود بسیاری برده است. اما اولاً برخلاف برخی گمانه‌زنی‌ها در ایران که روابط ایران و روسیه در صورت بهبود مناسبات ایران و غرب روند نزولی خواهد داشت، باید بیش از پیش به توسعه روابط تهران و مسکو اهتمام ورزید. زیرا روسیه به عنوان یک همسایه استراتژیک و با موقعیت مهم ژئوپولیتیک نقش مهمی در منطقه و جهان بازی می‌کند و در منطق روابط بین‌الملل نیز توسعه روابط با برخی دولت‌ها به معنی کاهش روابط با سایر بازیگران نیست، بلکه باید در این بازی از همه طرف‌ها در دستیابی به اهداف و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران سود جست. از چنین سیاستی می‌توان تحت عنوان «سیاست خارجی متوازن» یاد کرد.

دوم اینکه با توجه به دیپلماسی فعال جمهوری اسلامی ایران در سطح بین‌المللی، روسیه به دنبال برقراری یک راه تجاری مطمئن با ایران است و به احتمال زیاد یک مسئله مهم در این سفر، توافق ایران با مسکو برای ساخت نیروگاه دوم در بوشهر است. اما در عین حال توجه بیشتر به توسعه روابط تجاری در بخش‌های کالا و خدمات و البته مثبت کردن یا حداقل متعادل کردن تراز تجاری به نفع ایران، باید یکی از مهمترین برنامه‌های سیاستگذاران خارجی کشور در رابطه با روسیه باشد.

مسئله دریای خزر

روابط ایران و روسیه در دریای خزر در چارچوب مناسبات منطقه‌ای دو کشور قابل تحلیل است. کشورهای همسایه این دریا که شامل روسیه، قزاقستان، آذربایجان، ترکمنستان و ایران می‌شوند، به رغم مذاکرات بیست‌ساله، همچنان بر سر تقسیم بستر و آب دریای خزر با یکدیگر اختلاف دارند. اما در زمینه مبارزه با نظامیگری، حضور نیروهای بیگانه، مسائل زیست‌محیطی و مبارزه با جرائم سازمان‌یافته توافقاتی حاصل شده است. در مورد رژیم حقوقی هر دو کشور ایران و روسیه ابتدا مخالف تقسیم دریای خزر بودند. برای ایران و روسیه منابع انرژی دریای خزر بیش از اهمیت اقتصادی، دارای جلوه‌های سیاسی - امنیتی بود و هر دو کشور در برابر اعمال یکجانبه برای بهره‌برداری از منابع انرژی دریای خزر ابتدا مواضع یکسانی داشتند. ولی با تغییر در سیاست خارجی روسیه از اواسط دهه ۱۹۹۰ و با نزدیک شدن غرب به مرزهای جنوبی روسیه، مواضع این کشور در رابطه با رژیم حقوقی دریای خزر دگرگون شد. زیرا روسیه احساس می‌کرد در فرآیند حضور شرکت‌های خارجی در خزر منافع بیشتری را از دست می‌دهد و فشار شرکت‌های روسی مثل گازپروم و لوک اویل نیز در این امر بی‌تأثیر نبود. به همین دلیل روسیه در پی تعیین هرچه سریع‌تر رژیم حقوقی دریای خزر است و با توجه به فقدان اجماع پنج کشور، در عمل بدون توجه به موضع ایران اقدام به عملیاتی کردن الگوی تقسیم خود کرده است. برای ایران به غیر از حوزه البرز که در آن با آذربایجان اختلاف دارد، درحال حاضر استخراج و بهره‌برداری از منابع دریای خزر اهمیت حیاتی ندارد، بلکه ایران بیشتر نگران موقعیت و تمامیت خود در این دریاست.

بنابراین موضوع دیگر مورد بحث در سفر لاوروف به تهران آماده‌سازی زمینه برای برگزاری اجلاس سران دریای خزر در آستاراخان است که در سال ۲۰۱۴ برگزار می‌شود. در بیانیه وزارت خارجه روسیه بر ضرورت تلاش حداکثری ایران و روسیه برای تحرک بیشتر به حل مسائل دریای خزر و تأمین شرایط برگزاری موفق اجلاس چهارم خزر در آستاراخان تأکید شده است. روسیه در این بیانیه ابراز امیدواری کرده است در اجلاس آستاراخان اسناد مهم جدید به امضا برسد. اما با توجه به مشکلات موجود در تعیین رژیم حقوقی این دریا دستیابی به توافق نهایی در این زمینه محتمل نیست. اما توافق بر سر زمینه‌هایی که منتج به توافق نهایی خواهد شد دور از انتظار نخواهد بود. ضمن اینکه در مورد جلوگیری از نظامیگری در خزر، مسائل زیست‌محیطی دریا و سایر الگوهای همکاری منطقه‌ای امکان بحث و توافقات تکمیلی وجود دارد؛ اگرچه ضمانت اجرای چنین توافقاتی در شرایط فقدان یک نهاد همکاری منطقه‌ای در هاله‌ای از ابهام قرار دارد.

مسئله هسته‌ای ایران

روابط دو کشور در مسئله هسته‌ای ایران در چارچوب دوجانبه و بین‌المللی قابل تحلیل است. روابط در این بخش دو جنبه دارد. نخست نیروگاه اتمی بوشهر و دیگری پرونده هسته‌ای ایران. در بخش اول در سال ۱۹۹۵ روسیه با قراردادی به ارزش ۸۰۰ میلیون دلار متعهد شد طرح نیروگاه نیمه‌تمام بوشهر را به‌طور کامل به بهره‌برداری برساند که این وعده سرانجام پس از تأخیرهای مکرر در سال ۲۰۱۱ عملی شد.

اما روابط دو کشور با مطرح شدن پرونده هسته‌ای ایران جنبه‌های متفاوتی داشته است. روسیه همواره پذیرفته که ایران مجاز است برنامه اتمی غیر نظامی داشته باشد، اما نسبت به برخی طرح‌های ایران نیز سؤالاتی دارد. با این حال معتقد است گفتگو با تهران تنها راه تضمین صلح‌آمیز بودن ماهیت برنامه اتمی ایران است و طرح‌های مختلفی را نیز به‌عنوان راه حل دیپلماتیک ارائه کرد. در این راستا در سال‌های ۲۰۰۵، ۲۰۰۶، ۲۰۰۹ و ۲۰۱۱ روسیه به تنهایی و یا در قالب گروه ۵+۱ پیشنهادهایی را برای تغییر شرایط غنی‌سازی ایران و رفع نگرانی‌های بین‌المللی ارائه کرد که البته هیچ‌یک از این طرح‌ها مورد

پذیرش ایران قرار نگرفت. این امر نگرانی روسیه را برانگیخت. برای مثال در ژانویه ۲۰۰۶ سرگئی لاوروف؛ وزیر خارجه روسیه فقدان ارزش اقتصادی و نیاز واقعی به انرژی هسته‌ای و نیز ارزان بودن واردات سوخت حداقل در این سطح را موجب تردید روسیه دانست. ولادیمیر پوتین نیز در کنگره یهودیان اروپایی در اکتبر ۲۰۰۷ در مسکو، به رهبران یهود اعلام کرد سلاح‌های هسته‌ای ایران تهدیدی استراتژیک برای روسیه خواهد بود و روسیه و اسرائیل در این موضوع شریک هستند.

در ابعاد عملی فدراسیون روسیه ابتدا در سال ۲۰۰۶ تلاش کرد که از ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت جلوگیری کند. زمانی که شورای امنیت ملاحظه جدی تحریم‌ها را در پاییز ۲۰۰۶ آغاز کرد، مسکو سعی کرد تضمین کند که اقدامات اتخاذ شده توسط شورای امنیت محدود خواهد بود. این کشور تلاش کرد اصلاحاتی را در قطعنامه ۱۷۳۷ انجام دهد که این قطعنامه نتواند با اقدام نظامی اجرا شود و موفق شد. با این حال روسیه با رأی به قطعنامه‌های ۱۶۹۶ در سال ۲۰۰۶، ۱۷۳۷ و ۱۷۴۷ در سال ۲۰۰۷، ۱۸۰۳ در سال ۲۰۰۸ و ۱۹۲۹ در سال ۲۰۱۰ با تحریم‌های بیشتر همراهی کرد و از اعمال حق وتو به‌عنوان یکی از اعضای دائم شورای امنیت خودداری کرد.

اکنون که با روی کار آمدن دولت جدید و امضای توافق ژنو تا حدی مسیر دیپلماتیک برای ایران بهبود یافته، روسیه درصدد است از شرایط موجود هم به نفع روابط دو کشور و هم به نفع خود استفاده کند که البته این نیز لزوماً در مغایرت با منافع ایران نیست. وزارت خارجه روسیه در بیانیه اخیر خود درباره توافق هسته‌ای ژنو، اجرای تدابیر پیش‌بینی شده را موجب رفع نگرانی درباره ماهیت فعالیت‌های هسته‌ای ایران دانسته و افزوده که این سند چشم‌انداز روشنی را برای تحقق حقوق انکارناپذیر ایران به‌عنوان کشور عضو قرارداد ان‌پی‌تی؛ از جمله حق غنی‌سازی اورانیم ایجاد می‌کند. برخلاف برخی ادعاها نمی‌توان به صراحت گفت که روسیه از توافق ژنو با ایران ناخشنود است، زیرا این توافق حداقل در یک مورد بسیار مهم می‌تواند آمریکا و غرب را در برابر روسیه خلع سلاح کند و آن مسئله سپر دفاع موشکی است. روسیه برای جلوگیری از استقرار سپر دفاع موشکی در اروپای شرقی که توجیه آن مقابله با استفاده احتمالی ایران از سلاح اتمی است، از اجرایی شدن کامل توافقات ژنو حمایت می‌کند. لاوروف بعد از نشست مشترک ناتو در بروکسل گفت: روسیه بر این اعتقاد است که بعد از توافق هسته‌ای ژنو و هموار شدن مسیر حل‌وفصل نهایی مناقشه هسته‌ای غرب با ایران، دلیلی وجود ندارد که ناتو بخواهد پدافند موشکی خود را در اروپا مستقر کند و این متضمن منافع ایران نیز خواهد بود.

بحران سوریه

نگاهی اجمالی به موضع روسیه در خلال بحران سوریه نشان می‌دهد که این کشور از همان ابتدا به مخالفت با مداخلات خارجی در این کشور پرداخت. زیرا این مداخله را تهدیدی برای نفوذ و جایگاه ابرقدرتی خود در منطقه می‌دانست. در عین حال با گذشت زمان و تغییر یا آشکار شدن ماهیت واقعی مخالفان، روسیه نیز بر مخالفت خود بیش از پیش اصرار کرد. زیرا با روی کار آمدن و حتی قدرت گرفتن گروه‌های تندرو با عقاید سلفی در سوریه، هم منافع اقتصادی و سیاسی این کشور در سوریه تحت تأثیر قرار خواهد گرفت و هم امنیت و ثبات مناطق مسلمان‌نشین روسیه و حتی جمهوری‌های سابق شوروی در قفقاز و آسیای مرکزی تهدید خواهد شد. مسکو موضوع سوریه را ادامه روند محاصره خود و تغییر موازنه منطقه‌ای در مرزهای جنوبی روسیه می‌داند و بر اساس این رویکرد است که تمام قطعنامه‌ها علیه سوریه را وتو کرد.

یکی از دلایلی که روسیه را در جریان بحران سوریه ثابت قدم کرد، حمایت ایران بود. به این ترتیب و در شرایطی که احتمال وقوع جنگ در سوریه بسیار زیاد بود، روسیه و ایران با مخالفت گسترده خود تلاش کردند راهی برای جلوگیری از جنگ در منطقه پیدا کنند. حال که بحث تشکیل کنفرانس ژنو ۲ و تلاش برای پایان دادن به بحران سوریه مطرح شده است، روسیه تلاش می‌کند برای سنگین کردن کفه این موازنه به نفع خود همراهی ایران را نیز داشته باشد. یکی از مباحث مهم مطرح در دیدار لاوروف از ایران نیز موضوع حضور ایران و هماهنگی در این راستاست. وزارت امور خارجه روسیه نیز در آستانه سفر «سرگئی لاوروف» به ایران با اشاره به اشتراک نظر روسیه و ایران در بسیاری از جنبه‌های موضوع سوریه گفت: مسکو علاقمند به دعوت از کشورهای بانفوذ منطقه جهت شرکت در کنفرانس ژنو ۲ برای حل‌وفصل بحران سوریه است. از نظر روسیه، هدف مشترک تهران و مسکو در سوریه توقف خونریزی و پایان دادن به درد و رنج مردم این کشور از راه آغاز

گفتگوهای سوری مطابق با توافقنامه ژنو است. ضمن اینکه هرگونه دخالت خارجی در دمشق به منزله پیچیده‌تر شدن اوضاع و خونریزی بیشتر خواهد شد.

با این حال در مورد همکاری ایران و روسیه در بحران سوریه باید به چند نکته توجه کرد. نخست اینکه همکاری ایران و روسیه و تلاش دو کشور برای ترغیب سایر کشورها به حل و فصل بحران سوریه و حتی آشکار کردن تبعات منفی روی کار آمدن گروه‌های غیرمنسجم مخالفان می‌تواند بخشی از همکاری دو کشور باشد. دوم اینکه روسیه مانند ایران نیست و چندان سیاست حمایت از «شخص» را در سوریه دنبال نمی‌کند. این کشور با در نظر گرفتن تهدید اسلام‌گرایی افراطی و نیز منافع اقتصادی خود مایل به حل و فصل بحران سوریه بدون جنگ است و این احتمال وجود دارد که چنانچه توافق شود دولتی طرفدار غرب و یا سلفی در دمشق به قدرت نرسد، در مورد آینده بشار اسد حاضر به معامله با غرب باشد. با توجه به جمعیت رو به رشد مسلمانان در روسیه، موج اسلام‌گرایی در حوزه‌های جغرافیایی تحت نفوذ روسیه دغدغه مهم پوتین است. در واقع آنچه برای روسیه مهم است، نه نظام اسد؛ بلکه سوریه به عنوان یک حوزه استراتژیک است که باید از طریق آن جلوی نفوذ غرب به محدوده روسیه گرفته شود.

با این حال دو کشور در جریان حضور در کنفرانس ژنو ۲ باید متوجه باشند که آمریکا لااقل درصدد ریشه‌کنی سلفی‌ها نیست. زیرا اکنون که القاعده به خاورمیانه رسیده، می‌تواند راه خود را به داخل روسیه باز کند و این کشور را از درون با بحران مواجه سازد. البته از نظر آمریکا از آنجا که قدرت یافتن چنین گروه‌هایی ممکن است پیامدهای غیرقابل پیش‌بینی داشته باشد، باید آن را محدود کرد و این در قالب توافق با روسیه به خوبی صورت می‌گیرد. اما تجربه نشان داده است که برای قدرت‌های بزرگ این مهم است که هیچ یک از نیروهای موجود در یک موازنه از بین نروند؛ بلکه همه به نوعی حضور داشته و تنها گاه بر روی آنان سرپوشی نهاده شود، تا زمانی که بار دیگر نیاز به حضور آنان برای ایجاد موازنه در یک کشور، منطقه یا جهان پیدا شود.

نتیجه‌گیری

چنانکه دیدیم ظرفیت دو کشور برای همکاری دوجانبه بسیار بالاست. به علاوه ایران و روسیه به دلیل داشتن مواضع نزدیک به هم درخصوص مسائل منطقه و جهان می‌توانند سطح همکاری‌های خود را در زمینه حل مسائل مربوط به خاورمیانه، آسیای مرکزی و قفقاز ارتقا دهند. از نگاه روسیه ایران تاثیر بسزایی در تحولات جهان اسلام دارد و همکاری با این کشور می‌تواند موازنه لازم را برای روسیه در محیط پیرامونی آن که توسط کشورهای اسلامی احاطه شده، به وجود آورد. مسئله مهم در این زمینه بحران سوریه است. مسئله سوریه نشان می‌دهد که روسیه بیش از گذشته از غرب رویگردان شده و از تجربه لیبی به این نتیجه رسیده است که نباید به راحتی عرصه را به غرب واگذار کند. این امر محرک مضاعفی برای توسعه همکاری تهران و مسکو است.

اما در این فرآیند نباید واقع‌گرایی را نادیده گرفت. اگرچه در ایران برخی روسیه را شریک استراتژیک می‌خوانند، اما با توجه به مشکلات و اولویت‌های روسیه، در اسناد سیاست خارجی و امنیت ملی این کشور، ایران در اولویت پنجم قرار داده شده است. بنابراین در سال‌های گذشته مسکو نقش تعدیل‌کننده را در مسئله هسته‌ای ایران بازی کرده است و نه حل و فصل کننده نهایی. به‌ویژه در ۱۰ سال اخیر سیاست عملگرایانه‌ای بر این کشور حاکم است و معنای آن این است که روسیه حمایت از ایران را تا جایی که با سیاست این کشور همخوانی داشته باشد ادامه می‌دهد. در چنین شرایطی اگر ایران برای رسیدن به توافق با طرف‌های اصلی گام بردارد، روسیه نیز می‌تواند با کاستن از فشارها به پیشرفت مذاکرات کمک کند. از طرفی روسیه در روابط با کشورها هم منافع اقتصادی و هم منافع استراتژیک و کلان دارد که گاه این دو در تعارض قرار می‌گیرند و روابط ایران و روسیه در دریای خزر، سوریه و برنامه هسته‌ای ایران نیز از این وضع مستثنا نیست. در نهایت نیز باید تقویت جنبه دوجانبه روابط دو کشور مورد اهتمام بیشتر قرار گیرد.